

Analyzing the Formation and Collective Action of the Community of Devotees of Islam against the Second Pahlavi Regime Based on Sprignes-Tilly Integrated Model

Mohamad Reza Hatami^{*}, Alireza Beigi^{}**

Masoud Naddafan^{*}**

Abstract

Contemporary developments in Iran began with the entry of foreign forces into the country in the 20s and the rise to power of Mohammad Reza Pahlavi. These developments, which were often anti-Islamic in nature, led to the formation of a group of Islamists under the leadership of Nawab Safavi. There are many differences of opinion regarding the formation and collective action of the community of devotees of Islam; Therefore, the present study tries to explain the said problem with the analytical descriptive method and by applying the Sprignes-Tilly analytical model in the theoretical framework and citing library sources. The main question of the research is "what factors caused the formation of the community of devotees of Islam." The hypothesis of the research is that based on Sprignes-Tilly analytical model, Nawab Safavi decided to form a group with the aim of physically removing anti-religious people and promoters of distortion in Islam and mercenaries of the Pahlavi regime due to the feeling of danger towards Islam and the independence of the country. Islamic government was formed.

Keywords: Iran's Islamic Revolution Spriggans Tilly Pahlavi Fadayan Islam Nawab Safavi.

^{*} Professor of Political Department, Payam Noor University (Corresponding Author), m.hatami@pnu.ac.ir

^{**} Ph.D. Candidate of Political Science, Imam Sadiq University, a.r.beygi20@gmail.com

^{***} Ph.D. Candidate of Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Department,
M.naddaffan@gmail.com

Date received: 16/04/2023, Date of acceptance: 11/07/2023



واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان اسلام علیه رژیم پهلوی دوم؛ براساس مدل تلفیقی اسپریگنز-تیلی

محمدرضا حاتمی*

علیرضا بیگی**، مسعود ندافان***

چکیده

جمعیت فداییان اسلام، به‌رهبری نواب صفوی، اصلی‌ترین تشکل اسلامی مخالف سلطنت پهلوی دوم با مشی مبارزه سیاسی-مسلحانه بود. در این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که از منظر چهارچوب تحلیلی اسپریگنز و تیلی، جمعیت فداییان اسلام چگونه شکل گرفت و کنش جمعی آنان چگونه صورت‌بندی شد. نواب صفوی هم‌راه با یاران هم‌فکرش با مشاهده بحران‌های اشغال‌گری قدرت‌های جهانی شوروی و انگلستان، تکرار استبداد پهلوی اول در قامت سلطنت محمدرضا پهلوی و موج جدی ضد دین از سوی احمد کسروی، فرقه ضالّه بهائیت، و جریان‌های مارکسیستی نسبت به جایگاه اسلام در نظام سیاسی ایران احساس خطر کردند. نواب صفوی و یارانش راه‌حل برای بحران پیش‌رو را در تشکیل جمعیت سیاسی پیش‌رو و انقلابی دیدند. چنین راه‌کاری نیازمند فرایند بسیج‌گری یا کنش جمعی هدف‌مند مبتنی بر چالش‌گری رژیم پهلوی بود. به همین منظور متناسب با متغیرهای درون‌گروهی چهارچوب مفهومی بسیج منابع چالز تیلی منجر به برآیند کسب «منابع هنجاری» با «بسیج تهاجمی» در قالب شکل‌دهی به جمعیت فداییان اسلام با راهبرد سرنگونی رژیم پهلوی برآمدند

* استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، m.hatami@pnu.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، a.r.beygi20@gmail.com

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، M.naddaffan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰



و پس از آن با «سرکوب» تمام‌عیار، کنش جمعی آنان برای برپایی حکومت اسلامی از سوی رژیم پهلوی مواجه شدند.

کلیدواژه‌ها: فداییان اسلام، محمدرضا پهلوی، حکومت اسلامی، نواب صفوی، اسپریگنز، تیلی.

۱. مقدمه

رضاخان میرپنج در پساکودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش سیدضیاءالدین طباطبایی، همکار سیاسی کودتا، را به تبعیدگاه فرستاد و سپس کابینه کودتا را تشکیل داد. او در سال ۱۳۰۴ ش ابتدا با تمهیداتی فرمان‌دهی کل قوا و با بهره‌گیری از نیروهای سیاسی حامی در مجلس شورای ملی انقراض سلطنت قاجار را اعلام کرد و سپس با تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر چند اصل از *قانون اساسی* به مقام سلطنت نائل شد و سپس تاج‌گذاری کرد (مدنی ۱۳۸۷: ۲۵۴). رضا پهلوی براساس مؤلفه‌های شخصیتی برای دستیابی به اهداف شخصی مدنظر جامعه ایرانی عمل‌گرا و تمامیت‌طلب بود (کاتوزیان ۱۳۹۰: ۱۲۷). از همین رو، برای صیانت از قدرت استیلابخش خود و مقابله‌جویی با مراکز قدرت رقیب مؤلفه‌هایی نظیر ارتش نوین، پشتیبانی تمام‌عیار اعضای دربار، و بوروکراسی آهنین دولتی را پایه‌های سلطنتش قرار داد (آبراهامیان ۱۳۸۳: ۱۶۹).

رضاشاه در سایه تمامیت‌خواهی میل‌تاریستی‌اش دارای رویکردهای سرکوب‌گرایانه در قبال دین اسلام بود. او برای ایجاد قدرت مطلقه به حذف رقبای نیاز داشت. او روحانیت شیعه را به دلیل پیوند شبکه حامیان و سرمایه اجتماعی بالا رقیب اصلی تلقی می‌کرد. از منظر او سرمایه اجتماعی رهبران دینی ماحصل تصدی‌گری آنان در برنامه‌های سنتی است، بنابراین در تلاش برای کاهش نقش آنان در جامعه بود (کاتم ۱۳۷۱: ۲۲۱-۲۲۲). به همین علت، علاوه‌بر فرمان کشف حجاب و ممانعت از برگزاری مراسم عزاداری در ماه محرم، حمله جدی به نهادهای دینی شیعی وارد ساخت، به‌نحوی که شاهد کاهش مدارس دینی و طلاب در ایران هستیم. در سال ۱۳۰۴ تعداد مدارس دینی ایران ۲۸۲ باب و تعداد طلاب آن ۵۹۸۴ نفر بود و پس از شانزده سال صدارت ضد دینی رضاشاه، تعداد مدارس به ۲۰۶ باب و طلاب به ۷۸۴ نفر کاهش یافت (ایوانف ۱۳۵۶: ۸۷). این ضربات جدی به حوزه علمیه به فقدان کنش‌گری پیشین آنان در برابر نهاد قدرت منجر شد.

نقطه عزیمت تحولات پرچالش دهه ۱۳۲۰ از سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ آغاز شد. یازده روز پس از انتشار منشور *آتلانتیک*، که براساس مفاد آن آزادی، استقلال، و حق تعیین سرنوشت برای همه ملت‌های جهان را به رسمیت شناخته بود، شوروی و انگلستان از شمال، جنوب، و

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۶۳

غرب به ایران حمله کردند. در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰، نیروهای شوروی و انگلیس از قزوین و قم به سوی تهران حرکت کردند. رضاشاه به اجبار به نفع محمدرضای ولیعهد از سلطنت استعفا کرد و درحالی که محمدرضاشاه سوگند وفاداری به اصول مشروطیت را در مجلس شورای ملی یاد کرد، نیروهای شوروی و انگلیس وارد تهران شدند (مهدوی ۱۳۸۹: ۷۷). از نظر سیاسی فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه در نتیجه مبارزات داخلی یا مقاومت از درون نظام نبود، بلکه بر اثر دخالت عامل خارجی صورت گرفت. در نتیجه، پس از سقوط قدرت مطلقه رضاشاه، چند قدرت کوچک‌تر وارد صحنه رقابت شدند و فضای نسبتاً باز سیاسی در ایران به وجود آمد (زیباکلام ۱۳۸۳: ۵۶). بنابراین، دهه ۱۳۲۰ ش یکی از پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران است. در این برهه زمانی نیروهای سیاسی جدید داخلی و خارجی در صحنه چالش قدرت‌یابی ظهور می‌کنند و کنش‌گری آنان موجب تحولات چشم‌گیر در ساختار قدرت شد. اولین دهه سلطنت محمدرضاشاه با رشد فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی در سایه آزادی مقطعی سیاسی موجب افزایش ضریب تضادهای قطب‌های قدرت شد. در این مقطع زمانی بحران‌های مذهبی با اقدامات ضد دینی کسروی و فعالیت روزافزون فرقه بهائیت نارضایتی عمومی را ایجاد ساخت.

در بستر این آزادی نسبی در عرصه سیاست، حوزه علمیه قم و گروه‌های اسلام‌گرا فضای جدیدی را برای حفظ، رشد، و ارتقای جایگاه پس از سالیان طولانی یافتند. جمعیت فداییان اسلام، به رهبری سیدمجتبی میرلوحی (۱۳۰۳-۱۳۳۴ ش)، معروف به نواب صفوی، در دهه ۱۳۲۰ ظهور پیدا کرد. این جمعیت مذهبی-سیاسی متناسب با دال‌های گفتمان اسلام سیاسی و درک خلأ قدرت برتر در وضعیت حاکم در کشور پیش‌تاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم پهلوی با هدف استقرار ساختاری مبتنی بر حکومت اسلامی بودند. جمعیت فداییان اسلام با کاربست گرایش مذهبی انقلابی و بهره‌گیری از قدرت بیان رهبر خود، نواب صفوی، و اقدامات خاص متناسب با اهداف اعلامی در طی یک دهه فعالیت سیاسی جدی (۱۳۲۴-۱۳۳۴) تأثیر عمیقی در صحنه سیاسی و مذهبی ایران برجای گذاشت (جعفریان ۱۳۸۱: ۳۰۱).

در این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که نواب صفوی به مثابه رهبری شیعی در سپهر سیاست کشور با کدامین بحران‌های مذهبی-سیاسی مواجه می‌شود و متناسب با جامعه سیاسی مطلوب چه راه‌کاری را برای برون‌رفت از بحران ارائه می‌کند؟ متناسب با آن کنش جمعی هدف‌مند وی در جهت گسترش جنبش‌های اجتماعی مدنظرش چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها از ره‌یافت ترکیبی اسپریگنز-تیلی برای درک بهتر شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان اسلام علیه رژیم پهلوی استفاده کردیم.

۲. پیشینه پژوهش

جمعیت فداییان اسلام در سه محور کانون پژوهش‌های علمی قرار گرفته است.

۱.۲ مبانی فکری

در این سنخ از پژوهش‌ها، بنیادهای اندیشگانی جمعیت فداییان اسلام محور واکاوی قرار گرفته است. نویسندگان در این پژوهش به واکاوی اندیشه گروه فداییان اسلام از منظر مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناختی اصل‌گرایی اسلامی پرداختند (قریشی و داودی ۱۳۹۵). همچنین، در مقاله دیگر بررسی داده‌های تاریخی کارکرد دین در اندیشه و عمل شهید نواب صفوی بررسی شده است که برآیند آن موجب تقابل با استعمار و استبداد است (تقوی و همتی ۱۳۹۲) و سلیمانی از منظر مفهوم حکومت‌مندی فوکو به ارزیابی مفهوم تفکر انقلابی در مبانی فکری فداییان اسلام پرداخته است (سلیمانی ۱۳۹۶). درنهایت، آثار دیگر با بررسی‌های اسنادی مبانی فکری جمعیت فداییان اسلام بررسی شده است (امینی ۱۳۸۱؛ خسروشاهی ۱۳۹۵).

۲.۲ اعضای جمعیت با محوریت جایگاه رهبری شهید نواب صفوی

در این سطح از پژوهش‌ها، وضعیت اعتقادی و سیاسی اعضای جمعیت فداییان اسلام کانون بررسی قرار گرفته است. در پژوهشی نویسنده درصدد برآمده است تا جمعیت فداییان اسلام را از منظر بستر ظهور، تحولات، و پایگاه اجتماعی موردبررسی قرار دهد (عباسی ۱۳۹۰). در این سطح شهید نواب صفوی اصلی‌ترین فرد موردبررسی است (خسروشاهی ۱۳۸۶؛ امینی ۱۳۸۱؛ خوش‌نیت ۱۳۸۵؛ عزیزی نیک و قیصری ۱۳۸۴؛ قائمی ۱۳۹۰).

۳.۲ آسیب‌شناسی

در این سطح از پژوهش، کنش سیاسی جمعیت فداییان اسلام موردآسیب‌شناسی قرار گرفته است. ملایی توانی با ره‌یافت جامعه‌شناختی و تاریخی به بررسی تضادها و تعارضات موجود میان اندیشه و عمل جمعیت فداییان اسلام پرداخته است. از منظر نویسنده کاستی‌های نظری و معرفت‌شناختی موجب شد که این گروه سیاسی به‌جای نیروی مستقل و مؤثر مذهبی به عوامل تحت فرمان نخبگان سیاسی آن عصر تنزل یابد (ملایی توانی ۱۳۷۸). با پیشینه مطرح‌شده پژوهش حاضر به‌سبب واکاوی جمعیت فداییان اسلام از منظر شکل‌گیری و ساختار تشکیلات معطوف به کنش جمعی با مدل تلفیقی اسپریگنز-تیلی دارای وجه نوآوری است.

۳. چهارچوب مفهومی - نظری

۱.۳ نظریه بحران توماس اسپریگنز

توماس اسپریگنز از جرگه سنت‌گرایان علم سیاست است. او خواهان کاربرست روش‌های تاریخی، فلسفی، و انسان‌شناسی در مطالعات علوم سیاسی است. توماس اسپریگنز در کتاب خویش با عنوان *فهم نظریه‌های سیاسی*، با صورت‌بندی نظریه بحران، روشی را برای فهم اندیشه سیاسی به‌تأثیر از رخدادهای محیطی برای متفکران سیاسی مهیا ساخت. اسپریگنز میان ظهور و بروز بحران در محیط زیستار متفکران سیاسی با تولید اندیشه ارتباط مستقیم برقرار می‌سازد و در تبیین رابطه میان بحران و اندیشه متفکر سیاسی عامل بحران را مؤلفه اساسی تولید اندیشه می‌داند (حقیقت ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۰). بنابراین، نظریه بحران یک نظریه زمینه‌گرایانه محسوب می‌شود. نظریه بحران اسپریگنز به‌مثابه یکی از مهم‌ترین روش‌های فهم اندیشه سیاسی چهار مرحله دارد که هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود.

مرحله اول نظریه بحران عامل تحریک‌کننده ذهن متفکر برای یافتن پاسخی به بحران است. اکثر نظریه‌پردازان آثار خود را زمانی نگاشته‌اند که به‌طور فزاینده احساس ظهور بحران در جامعه می‌کردند. بنابراین، اولین مسئله مشاهده و شناسایی مشکل جامعه است (اسپریگنز ۱۳۶۵: ۴۵). توانایی مشاهده و درک شاخص‌مند از بحران شاخص تمایز اندیشمندان از سایر افراد است. در این مرحله ذهن متفکر با مشاهده بی‌نظمی و بحران به تکاپو خواهد افتاد و به‌سوی تشخیص علل این بحران سوق داده می‌شود. شناخت درست از شرایط حاکم بر بحران‌های زمانه متفکران امکان تبیین بهتر اندیشه سیاسی آنان را مهیا می‌سازد.

مرحله دوم، نظریه‌پرداز در مقام یک پژوهش‌گر به تحلیل شرایط و بحران‌ها می‌پردازد. وی باید شک و تردید را در درون خود گسترده سازد و به جست‌وجوی علت اصلی مشکلات نابه‌سامانی‌ها، که اغلب نهان از دیده‌هاست، بپردازد (حقیقت و حجازی ۱۳۸۹: ۱۸۸). او به‌ناچار باید مرحله کاملاً دقیق و منحرف‌کننده دسته‌بندی روابط علت و معلولی را کنار بگذارد؛ زیرا نظریه نظریه‌پرداز بدون تبیین علل واقعی بی‌نظمی‌ها نمی‌تواند پیش‌نهادهای کارسازی به‌منظور درمان و تسکین مشکل ارائه دهد و انشقاق مکاتب مهم اندیشه سیاسی از تفاوت این زاویه دید متأثر است (اسپریگنز ۱۳۶۵: ۹۳).

مرحله سوم، بروز زوایای نگرشی متفکر است که براساس آن مشکل را فهم می‌کند و در این مرحله خود را در قالب نظام آرمانی مطلوب نشان می‌دهد. در این مرحله متفکر الگوی جامعه خوب را در ذهن خویش ترسیم می‌کند و معیاری را از آن به‌دست می‌دهد و به این

ترتیب به نظم سیاسی هنجاری می‌شود که به ترکیبی از نوآوری و اکتشاف دست می‌زند. هدف این مرحله، ایجاد رابطه‌ای بین شخص و محیط سیاسی است و موفقیت آن طرح بازسازی‌شده یعنی قابلیت دوام، درجه عقلانی، و حقیقی بودن آن به نتیجه‌ای بستگی دارد که نظریه‌پرداز از مرحله تشخیص علل گرفته است (حقیقت و حجازی ۱۳۸۹: ۱۸۸). تمایز اسپریگنز با جامعه‌شناسان معرفت در این مرحله آشکار می‌شود؛ زیرا وی پیش‌زمینه‌های فکری متفکر را در مرحله سوم دخیل کرده و از اثرگذاری آن بر مرحله اول اجتناب کرده است. مرحله چهار، ارائه راه‌حل برای بحران پیش‌روی متناسب با دستاوردهای مراحل پیشین است. این مرحله با توجه به رویکرد درمانی خود دارای سویه‌های تجویزی است.

۲.۳ بسیج منابع چالز تیلی

از میان نظریه‌پردازان بستر تحلیلی جنبش‌های اجتماعی چارلز تیلی دارای جایگاه اثرگذار عمیقی بر تبیین چگونگی کنش جمعی است. تحلیل کنش جمعی هدفمند به منظور درک درست تلاش‌های انسان برای تغییر جهان از اهمیت زیادی برخوردار است. چالز تیلی، متناسب با هدف اعلامی خود، خواهان ارائه نظریه برای توصیف و تبیین کنش‌های جمعی است. از منظر او رخدادهایی مانند شورش‌ها، انقلاب‌ها، توطئه‌های سیاسی، و جنبش‌های اجتماعی که با هدف اقدام برای ایجاد تغییر یا ممانعت از آن در جامعه انسانی رخ می‌دهد، نمودی از کنش‌های جمعی هستند. او در کتاب *از بسیج تا انقلاب* طرح نظری‌اش درباره چگونگی شکل‌گیری فرایند کنش‌های جمعی را بیان کرد.

کنش جمعی در نظریه چالز تیلی برابند منازعات و تعاملات رقابت‌آمیز گروه‌ها برای کسب حفظ، و ارتقای قدرت است. این فرایند رقابت‌آمیز در بستر انتزاعی «جامعه سیاسی» صورت‌بندی می‌شود. در فضای تحلیلی تیلی، گروه‌ها در دو سطح «اعضای جامعه سیاسی» و «چالش‌گران» تقسیم می‌گردند. اعضای جامعه سیاسی قدرت نسبتاً زیاد و دست‌رسی روزمره به حکومت دارند و از آن‌سو چالش‌گران دست‌رسی روزمره به حکومت ندارند و قدرت نسبتاً کمی دارند. چالش‌گران در تکاپو برای حضور در جامعه سیاسی و اقدامات مطالبه‌گرایانه برای دستیابی به خواسته‌هایشان از حکومت هستند، هرچند این تلاش‌ها با مخالفت کارگزاران جامعه سیاسی روبه‌رو می‌شود (تیلی ۱۳۸۵: ۱۷۴-۱۸۰). مدعیان، اعم از گروه‌های عضو و چالش‌گران، برای پیش‌برد خواسته‌های خود دست به ائتلاف با سایر گروه‌ها می‌زنند و سعی می‌کنند تا عمل جمعی خود را با سایر متحدان بالقوه هماهنگ سازند (همان: ۸۱-۸۳). حکومت

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان ... (محمد رضا حاتمی و دیگران) ۶۷

متناسب با انحصارخواهی منابع اجبار و هنجار مانع از حضور چالش‌گران به جامعه سیاسی می‌شود و یا دسترسی اعضای جامعه سیاسی را تسهیل می‌کند. به همین علت مشارکت‌کنندگان پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند (سیمی ۱۳۷۵: ۱۴۱).

سازمان، منافع، بسیج، و کنش جمعی مؤلفه‌های اصلی الگوی چگونگی مبارزه سیاسی در نظریه چارلز تیلی هستند. سازمان متناسب با وضعیت حاکم کارویژه‌های منحصر به فرد مانند جذب و آموزش افراد، ارتباط و انسجام بخشی به افراد، و ترغیب افکار عمومی متناسب با اهداف سازمان را برعهده دارد. سازمان‌ها متناسب با خاستگاه پیدایش به سازمان‌های قدیمی و جدید تقسیم‌بندی می‌شوند. سازمان‌های قدیمی خاستگاه تاریخی در ساخت جامعه دارند و کارکرد آنان متعلق به دوره خاصی از روند انقلاب نیست، ولی در شرایط انقلابی افراد خواهان تغییرات ساختاری و سریع از آن بهره می‌جویند. سازمان‌های جدید مختص نیل به اهداف انقلاب ایجاد می‌گردند و سابقه پیشینی ندارند (غفاری و دیگران ۱۳۹۱: ۶۵). در این منازعه تمام‌عیار میان چالش‌گران و مدعیان گروهی، که توانایی بیش‌تر برای بسیج منابع داراست، دست برتر را دارد. میزان سازمان‌دهی طرفین مهم‌ترین مؤلفه مؤثر در بسیج منابع است.

۱.۲.۳ مؤلفه‌های درونی و برون‌گروهی الگوی بسیج

۱.۱.۲.۳ بخش اول؛ مؤلفه‌های درون‌گروهی

مرحله اول در الگوی بسیج دارای مؤلفه‌های منافع، سازمان، و بسیج است و این مؤلفه‌ها عناصر درون‌گروهی مؤثر در کنش جمعی هستند.

۱.۱.۱.۲.۳ سازمان و منافع

در مدل تیلی سازمان در تکاپو برای هماهنگی در پی‌گیری منافع و اهداف گروه با ایجاد هویت مشترک و هم‌بستگی در میان اعضای آن است. تیلی بهترین وضعیت سازمان را ترکیبی از دسته‌ای بودن و شبکه‌ای بودن می‌داند و با گرت‌برداری از اصطلاح هریسون وایت آن را سازمان «شبکه‌ای دسته‌ای» می‌نامد (تیلی ۱۳۸۵: ۹۵). برای ایجاد یک سازمان پویای سیاسی باید تمام یا بخشی از اعضای آن از منافع سازمان آگاهی یابند. این آگاهی موجب شکل‌دهی شبکه‌ای از روابط خواهد شد. ضریب توان بسیج سازمان تابع اندازه و کیفیت آن است. هر قدر سازمان کیفی‌تر و از لحاظ جغرافیایی گسترده باشد، توان بسیج‌کنندگی آن ارتقا می‌یابد (پناهی ۱۳۸۹: ۳۴۰-۳۴۲).

۲.۱.۱.۲.۳ بسیج منابع

هرگونه کوشش گروه‌های مدعی برای کسب و دستیابی به هر نوع منبع برای عمل جمعی خود را بسیج منابع می‌گویند.

۱. انواع منابع

۱.۱ منابع اجبارآمیز: منابعی که ابزار تنبیه دیگران و محدودسازی آنان است مانند نیروهای مسلح و فناوری‌های کنترل‌کننده؛

۲.۱ منابع فایده‌مند: منابعی که انسان‌ها دستیابی به آنان را حق خود می‌دانند؛ مانند پول، کالا، و خدمات اطلاع‌رسانی؛

۳.۱ منابع هنجاری: تعهدات اعضا در قبال آرمان و اعضای گروه را که شامل وفاداری و تکالیف است (تیلی ۱۳۸۵: ۱۰۵).

۲. انواع بسیج

تلاش همه‌جانبه گروه‌ها و سازمان برای دستیابی هرچه بیش‌تر منابع را فرایند بسیج منابع می‌نامند. از منظر چالز تیلی انواع بسیج عبارت‌اند از:

۱.۲ بسیج تدافعی: در مقطع زمانی‌ای که کیان گروه از خارج تهدید شود، اعضای گروه متناسب با تهدید برای حفظ منافع منابع خود را برای جنگ با دشمن فراهم می‌آورند. برای نمونه شورش‌ها برای منابع غذایی و مالی، تهاجم به کشتزارها، و مقاومت در برابر لوایح قانونی؛

۲.۲ بسیج تهاجمی: تلاش سازمان برای تجمع منابع به منظور کسب منافع جدید متناسب با فرصت پیش‌روست. برای نمونه کام‌یابی مؤسسه کاتولیک مذهب اوکانل در ارتقای حقوق پیروانش در انگلستان؛

۳.۲ بسیج تدارکاتی: سازمان با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد. برای نمونه ایجاد صندوق پول در اتحادیه‌های کارگری برای ایام سخت، مانند دوران اعتصاب یا بی‌کاری و ... (همان: ۱۱۱-۱۱۳).

۳.۱.۱.۲.۳ کنش جمعی

قدرت گروه برای کنش جمعی وابسته به ضریب میزان و مقدار منابع بسیج شده است. میزان کنش جمعی تابعی است از:

۱. منافع مشترک: براینده مثبت یا منفی حاصل از تعامل با دیگر گروه‌ها؛
۲. شدت و قوت سازمان: میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش در میان اعضای گروه؛
۳. بسیج منابع: منابع تحت اختیار گروه (همان: ۱۲۸).

۲.۱.۲.۳ بخش دوم؛ مؤلفه‌های برون‌گروھی

تکاپوی سازمان برای بسیج منابع و کنش جمعی ظرفیت درون‌گروھی برای اقدام متناسب با اهداف را تبیین می‌کند. بخش اول در مدل بسیج تیلی به کنش انقلابی منجر نخواهد شد. در بخش دوم این الگوی نظری متناسب با انگیزه‌ها و فرصت‌ها عناصر برون‌گروھی مؤثر در کنش جمعی، که شامل سرکوب- تسهیل، قدرت، و فرصت - تهدید است، نقش‌آفرینی می‌کنند.

۱.۲.۱.۲.۳ سرکوب و تسهیل

سرکوب به‌منزله هرگونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد و از آن‌سو اگر کنشی هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد، شاهد تسهیل هستیم. هر سازمان یا گروه در تکاپو برای کنش جمعی با سرکوب یا تسهیل سازمان یا گروه‌های دیگر مدعی مواجه می‌شود. اگر سازمان یا گروه مقابل دولت باشد، پسوند سیاسی به سرکوب یا تسهیل افزوده می‌شود. ممنوعیت تجمعات و دست‌گیری رهبران نمونه‌ای از سرکوب و قانونی کردن عضویت و تأمین هزینه‌های جاری در سازمان و ممانعت از اقدامات تخریبی علیه آن نمونه‌های تسهیل است (همان: ۱۴۹-۱۵۰).

۲.۲.۱.۲.۳ قدرت

در مقطعی که احزاب دارای منافع مشخص در تعامل با یک‌دیگر دچار تعارض می‌گردند، قدرت هر حزب عبارت است از میزان غلبه‌یافتن منافع آن حزب بر دیگر احزابی که با آن‌ها تعارض دارد (همان: ۱۷۱). در این فضای تحلیلی حکومت مهم‌ترین ابزار تمرکز یافته اجبار را در جمعیت تعریف‌شده در اختیار دارد و هم‌چنین جامعه سیاسی مشخص ساختن مدعیانی

است که دست‌رسی روزمره به حکومت دارند. با ترسیم چنین چهارچوب معنایی در بخش دوم مدل بسیج شاهد پیوند آن با جامعه سیاسی هستیم (همان: ۱۷۴).

۳.۲.۱.۲.۳ فرصت و تهدید

در شرایطی که منافع گروه مدعی قدرت مفروض، درعین وجود منافع متعارض با آن تحقق یابد، فرصت نامیده می‌شود. در این بستر معنایی تهدید به مثابه وضعیتی است که امکان تحقق منافع گروه مدعی قدرت مفروض باوجود منافع گروه‌های رقیب کاهش می‌یابد (همان: ۱۹۶).

۴. تبیین چگونگی شکل‌گیری گفتمان فکری جمعیت فداییان اسلام براساس نظریه اسپرینگز

۱.۴ مشاهده و شناسایی مشکلات جامعه

نواب صفوی با کاربست هویت دینی- ملی به مشاهده و شناسایی بحران‌های جامعه ایرانی پرداخت و این بحران‌های فزاینده را در سه سطح صورت‌بندی کرد.

۱.۱.۴ استعمارگری شوروی و انگلیس

متفقین برای صیانت از تأسیسات نفتی ایران در برابر هم‌سوی احتمالی حکومت آلمان با رضاشاه و گشودن کانال جدید کمک‌رسانی به شوروی در برابر تهاجم همه‌جانبه آلمان، در شهریور ۱۳۲۰، ایران را اشغال کردند (آبراهامیان ۱۳۸۷: ۲۰۱). این اشغال آثار سیاسی- اقتصادی گسترده‌ای بر پیکره نحیف جامعه ایرانی ایجاد کرد. رضاشاه با عاملیت اشغال‌گران روس و انگلیس از سلطنت خلع شد و فرزند ۲۲ ساله وی بر سریر قدرت نشست (روبین ۱۳۶۳: ۲۳). به دنبال این اشغال‌گری و استفاده از تمام ظرفیت‌های کشور برای پیش‌برد اهداف متفقین، دولت در تأمین نیازهای حیاتی جامعه ناتوان بود و سرانجام قحطی تمام‌عیاری در کشور رخ داد و به مرگ میلیون‌ها نفر منجر شد (امینی ۱۳۸۱: ۷۶-۷۷). ازسوی دیگر، استعمارگران بر صنعت نفت به عنوان نبض اقتصادی کشور استیلا داشتند. این وضعیت حاکم بر کشور از منظر تفکر اسلامی به منزله عدم اجرای قاعده فقهی نفی سبیل در جامعه اسلامی بود.

۲.۱.۴ استبداد پهلوی دوم

نواب صفوی حضور محمدرضاشاه جوان را بر سریر قدرت از زاویه تکرار حکم‌رانی پهلوی اول می‌نگریست. او معتقد بود که استبداد پهلوی دوم بحران پسینی جامعه شیعی ایران است.

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۷۱

محمدرضاشاه از دوران نوجوانی تحت فضای تربیتی-آموزشی بنیادهای زندگی غربی قرار گرفته بود، اما به‌روایت خودش نفوذ شخصیتی رضاشاه را متقدم می‌دانست بر آنچه ماحصل محیط دموکراتیک غرب بر سلوک فکری و رفتاری‌اش بود (پهلوی ۱۳۵۰: ۶). هرچند در دهه ۱۳۲۰ شاهد کاهش نسبی قدرت سلطنت و دربار به‌صورت مظهر حکومت مطلقه بودیم (ازغندی ۱۳۹۲: ۲۳۱)، محمدرضاشاه در فرصت‌های بعدی نهاد سلطنت را تحکیم بخشید و هم‌چنان جایگاه خود را به‌عنوان عالی‌ترین مرجع برای اعطای حمایت، مقام، و مکانیت حفظ کرد (عظیمی ۱۳۷۲: ۱۹) و نهادهای قانونی مشارکت سیاسی و مخالفان خود را به‌شدت سرکوب کرد. بنابراین، پیش‌بینی نواب صفوی درباره بحران‌آفرینی سیاست‌ورزی محمدرضاشاه به‌سبب اقتدارگرایانه پهلوی اول محقق گردید.

۳.۱.۴ جریان‌های ضد دین

بحران سوم ماحصل اقدامات جریان‌های ضد دین اسلام بود. این جریان سه طیف فکری-مذهبی با اهداف متفاوت ولی با رویکرد یک‌سان ضد دینی داشت که بدین قرار بودند: جنبش پاک‌دینی احمد کسروی، گروه‌های فکری-سیاسی مارکسیستی، و گسترش قدرت فرقه ضالّه بهائیت.

۱.۳.۱.۴ جنبش پاک‌دینی کسروی

احمد کسروی اقتضای نیازهای معنوی عصر حاضر را عاملی برای ظهور جنبشی جدید تلقی می‌کرد. او ابتدا جایگاه هدف‌مند دین به‌مثابه برنامه همه‌جانبه زندگی انسان را موردحمله قرار داد. از منظر او دین اصلی‌ترین عامل گسست در وحدت ملی و پناهگاه بدکاران است (کسروی ۱۳۴۶: ۲۲۸). او مفاهیم کانونی مذهب شیعه را نشانه می‌گرفت. او خاتمیت دین اسلام و مفاهیم شاخص شیعی نظیر ظهور و توسل به حضرت مهدی (عج) و شفاعت را خرافه دانست (کسروی ۱۳۲۳: ۹). از منظر او «پاک‌دینی» جانشینی راستین برای «دین اسلام» و رفتارهای وی پیش‌گامی برای شکوفایی آدمی در عصر جدید است.

۲.۳.۱.۴ جریان‌های مارکسیستی

در دوران سلطنت پهلوی اول، فعالیت جریان‌های مارکسیستی غیرقانونی بود، اما پس از رخدادهای شهریور ۱۳۲۰، با حمایت ارتش سرخ شوروی، هسته اصلی حزب توده تشکیل شد. یک سال بعد نخستین کنفرانس ایالتی خود را در تهران با اتحاد چهار طبقه کارگران، دهقانان، روشن‌فکران، و پیشه‌وران برگزار کرد (مدنی ۱۳۸۷: ۳۰۱) که تبلیغات وسیعی در حوزه انتشار نشریات با مضامین مارکسیستی و رد تعالیم اسلامی داشتند.

۳.۳.۱.۴ فرقه ضاله بهائیت

فرقه ضالۀ بهائیت با ظهور سلطنت رضاشاه در برابر فشارهای دوران سلطنت قاجار از تنگنای هویتی رهانیده شد. سیاست‌های دین‌زدایی و مبارزه با نهاد روحانیت شیعی پهلوی اول منطبق با اهداف فرقه بهائیت برای تضعیف مخالفان اصلی‌اش بود و آنان در زمینه کشف حجاب همکاری‌هایی با حکومت انجام دادند (شهسواری ۱۳۷۸: ۶۱-۶۵). بنابراین، ایران در دوران پهلوی اول پناهگاه امن برای فعالیت‌های تبلیغاتی بهاییان شد. در دهه ۱۳۲۰، در سایه آزادی‌های نسبی سالیان ابتدایی سلطنت محمدرضا پهلوی، بهاییان فعالیت‌های تبلیغاتی خود را در مراکز مذهبی این فرقه در تهران، شیراز، و دیگر شهرها شدت بخشیدند. این فرقه دوران پهلوی دوم را بستری مناسب برای کسب هویت سیاسی مستقل و نفوذ در ساختار تصمیم‌گیر آشکار مانند تصدی مقام‌های کلیدی در کابینه دولت‌ها می‌دانستند (قاضوی ۱۳۹۳: ۱۴۴). این روند قدرت‌یابی در ساختار حاکمیتی نگرانی‌های جدی برای جامعه دینی ایران به‌خصوص نهاد حوزه علمیه ایجاد کرد.

باوجود سه‌گانه‌های بحران در بستر فضای سیاسی-اجتماعی دهه ۱۳۲۰، تحلیل نواب صفوی از بحران‌های مذهبی-سیاسی دهه ۱۳۲۰ مبتنی بر استفاده از واژگان «فساد، غصب، خیانت، شهوت، فقر، فروپاشی» استوار است (فیرحی ۱۳۹۴: ۱۴۷). بنابراین، جمع‌بندی آنان از وضعیت حاکم نمایان‌گر فروپاشی همه‌جانبه سیاسی-اجتماعی کشور مسلمان و شیعی ایران است.

۲.۴ تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه

نواب صفوی منبع تمام مفاسد عمومی و مانع اصلی اصلاح‌گری در جامعه انسانی را «انحراف بشر از مسیر دین فطری اسلام و تربیت سازمانی آفرینش» (نواب صفوی ۱۳۶۰: ۳) می‌داند و سپس با همان الگو به نگرش انتقادی جامعه بحران‌زده ایران می‌پردازد. او فقدان ایمان در میان سطوح مختلف مردم و نبود تربیت اسلامی در حاکمیت را اساسی‌ترین ریشه بروز ناهنجاری می‌داند. نواب صفوی ریشه‌های مفاسد را در چهارده مورد جمع‌بندی می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. گسستن ریشه‌های نورانی ایمان از مسیر دین فطری اسلام، ۲. اجرانشدن احکام اسلام و قانون مجازات، ۳. مفاسد فرهنگ، ۴. بی‌حجابی، ۵. رواج مشروبات، ۶. استعمال دخانیات، ۷. قماربازی، ۸. وجود سینما و رمان‌ها و تصانیف شهوت‌انگیز، ۹. نغمه‌های ناهنجار، ۱۰. دروغ و چاپلوسی و مداحی‌های فضیلت‌کش، ۱۱. فقر عمومی، ۱۲. فحشا، ۱۳. رشوه‌خواری‌های گسترده، ۱۴. بی‌اعتمادی و جدایی دولت از ملت (همان: ۱-۱۵).

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان ... (محمد رضا حاتمی و دیگران) ۷۳

در مجموع، نواب صفوی در روند تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه همه گرفتارهای جامعه ایرانی را ناشی از فساد دولت و عدم اجرای شریعت اسلام در جامعه می‌دانست (فیرحی ۱۳۹۴: ۱۴۹).

۳.۴ بازسازی ذهنی جامعه سیاسی مطلوب (آرمان‌شهر)

نواب صفوی، متناسب با نگرش فقهی، تنها منبع اصیل و معتبر دستیابی به حقیقت و معرفت را در اصل شریعت می‌جست. براساس آموزه‌های شریعت اسلامی اجرای احکام و قوانین مبتنی بر شرع امری حتمی است. اصل اجرای شریعت محور اصلی دغدغه او بود (قریشی و داودی زواره ۱۳۹۵: ۲۱۸). بنابراین، پایه و شالوده اصلی الگوی ذهنی‌اش را بر این اصل پایه‌ریزی کرد.

نواب صفوی با جست‌وجو در الگوهای اعلامی متفکران سپهر سیاست کشور درقبال جامعه سیاسی مطلوب، الگوی پادشاهی، و مشروطیت را تجربه ناموفق می‌دانست. او مشروعیت سلطنت پادشاه بر مردم مسلمان بدون فرمان‌برداری قوانین اسلام را پذیرا نبود و این حکومت‌ورزی را غصبی می‌دانست (خوش‌نیت ۱۳۶۰: ۲۰۷) و مشروطیت از نظر وی ابزاری از «شوره‌زار فاسدی مثل غرب» بود که مخالفان خود مانند آیت‌الله فضل‌الله نوری را به شهادت رساند و عزیزترین مردان حامی خود مانند آیت‌الله آقا جمال اصفهانی، حاج آقا نورالله اصفهانی و سیدحسن مدرس را از میان برداشت و جنایت‌کاری آنان آشکار شده است (جعفریان ۱۳۸۴: ۴۲۲). بنابراین، خواهان نظم سیاسی جدید با خاستگاهی در تجربه سیاسی اسلام بود.

نواب صفوی با اذعان بر خاتمیت و جامعیت برنامه سیاسی اسلام به طرح‌ریزی الگوی حکومتی بدیع برپایه صدر اسلام و متناسب با مقتضات جامعه جدید اقدام کرد. در بازسازی ذهنی جامعه سیاسی مطلوب از منظر نواب صفوی نظم سیاسی جدید تشکیل «حکومت صالح اسلامی» است. حکومت صالح اسلامی بر دو رکن اساسی احکام سیاسی و دولت (پادشاهی) که مجری احکام اسلامی است، استوار است. در چنین نظم سیاسی آرمانی‌ای نهاد روحانیت با استنباط از احکام شرع برای کارگزاران حکومتی فتوا می‌داد. با فرض چنین آرمان‌شهری کارکرد نهاد روحانیت در نظم سیاسی برجسته می‌گردد (فیرحی ۱۳۹۴: ۱۵۳).

۴.۴ ارائه راه‌کار برای برون‌رفت از بحران

نواب صفوی در مواجهه با بحران‌های پیش‌روی جامعه شیعی ایران، همه گرفتارهای جامعه را برآیند حاکمیت فاسد و عدم بستر لازم برای اجرای شریعت اسلام در جامعه می‌دانست. او برای

توصیف شرایط موجود از ترجیع‌بند «حکومت خائن» ریشه «مفاسد و بدبختی ملت» استفاده می‌کرد (خسروشاهی ۱۳۷۵: ۲۱۵). در چهارچوب فکری نواب صفوی ملازمه بین خروج جامعه از بن‌بست فروپاشی و لزوم اجرای شریعت و پس از آن ملازمه بین اجرای شریعت و دولت راه‌حل سیاسی را کانون تمرکز قرار داد و تنها راه‌کار برای عبور از بحران را حذف دولت فاسد و جای‌گزینی حکومت اسلامی به مثابه راه‌برد نهایی می‌دانست (فیرحی ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۵۰). نواب صفوی به شاه و دولت اعلام کرد که اگر دستورهای اصلاحی آنان، که مبتنی بر کاریست شریعت اسلامی است، در ساختار کشور اجرا نشود و یا «کوتاهی در تسریع اجرای کامل آن‌ها» رخ دهد، دست انتقام‌گر آنان به یاری خداوند محمدرضاشاه و دولت حامی او را نابود و آنان را ره‌سپار جهنم خواهد کرد (خسروشاهی ۱۳۷۵: ۲۹۲). نواب صفوی برای بازسازی عینی جامعه سیاسی مطلوب و دستیابی به راه‌برد نهایی تشکیل جمعیت فداییان اسلام را آغاز کرد. او تنها راه‌کار برای خروج از بحران را آگاه‌سازی عمومی با اتخاذ تاکتیک مبارزه مسلحانه برای دستیابی به اهداف اعلامی دانست. سرانجام با اتمام حجت و پایان فعالیت‌های فرهنگی درقبال اقدامات ضد دین احمد کسروی و فتوای آیت‌الله حسین قمی، پدر معنوی فداییان اسلام، و علامه امینی، نواب صفوی هم‌زمان با اجرای حکم شرع درقبال کسروی، با صدور اعلامیه موسوم به «دین و انتقام» موجودیت «جمعیت فداییان اسلام» را اعلام کرد.

در گزاره‌های اولیه این اعلامیه بیان شده است:

ما زنده‌ایم و خدای منتقم بیدار. خون‌های بیچارگان از سرانگشت خودخواهان شهوت‌ران که هریک به نام و رنگی پشت پرده‌های سیاه و سنگرهای ظلم و خیانت و دزدی خزیده‌اند، سالیان درازی است فرومی‌ریزد و گاه دست انتقام الهی هریک از اینان را به جای خویش می‌سپارد و دیگر یارانش عبرت نمی‌گیرند.

نواب صفوی با کاریست فتوای پیشین مراجع نجف برای مبارزه با طیف ضد دین کسروی، مبارزه سیاسی خود علیه «حکومت خائن» و عامل «ظلم و فساد» را با روش‌های انقلابی خارج از دایره اقتدار مرجعیت به‌خصوص در حوزه علمیه قم استمرار بخشید (فراشی ۱۳۸۳: ۲۱۸).

۵. تبیین کنش جمعی جمعیت فداییان اسلام با کاریست نظریه بسیج منابع چارلز تیلی

از منظر نظریه چارلز تیلی، هرگونه رفتار افراد با هدف اقدام برای ایجاد تغییر یا ممانعت از آن در جامعه انسانی نمودی از کنش‌های جمعی است. کنش جمعی در نظریه چارلز تیلی در بستر «جامعه سیاسی» در منازعات گروه‌ها برای کسب، حفظ، و ارتقای قدرت معنا پیدا می‌کند.

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۷۵

نواب صفوی و هم‌فکران مذهبی - سیاسی وی در جامعه سیاسی حاکم در دهه ۱۳۲۰ چالش‌گران رژیم پهلوی به‌شمار می‌رفتند. تکرار استبداد پهلوی اول در قامت سیاست‌ورزی محمدرضاشاه و سکوت در برابر موج همه‌جانبه ضد دین اسلام علت اصلی کنش‌گری چالش‌گرایانه آنان در قبال کارگزاران جامعه سیاسی سلطنت پهلوی بود. در بستر زمانی دهه ۱۳۲۰، نواب صفوی و افراد هم‌فکرش خواهان سازمان‌یابی برای پیش‌برد اهدافشان بودند. نواب صفوی با درک درست از زمانه برای جذب و آموزش افراد، ارتباط و انسجام‌بخشی به افراد، و ترغیب افکار عمومی سازمانی با خاستگاه ترکیبی را برای پیش‌برد اهداف اعلامی خود مدنظر قرار داد. نواب صفوی حوزه علمیه و هیئت مذهبی را به‌مثابه سازمانی قدرتمند با قدمت تاریخی‌ای که کارکرد آنان متعلق به ادوار زمانی مختلف بود مدنظر قرار داد. نواب صفوی حوزه علمیه را به‌عنوان نهاد پیش‌برنده برای تحقق حکومت دینی می‌دانست، هرچند مخالفان جدی در مقابل ایده وی صف‌آرایی کرده بودند. ازسوی دیگر، نواب صفوی افراد حامی خود با خاستگاه مذهبی را در ساحت سازمان‌دهی مدرن در قالب «جمعیت سیاسی» برای نیل به اهداف انقلاب مدنظرش گردهم آورد و شکل داد و در جهت این تلاش‌ها جمعیت فداییان اسلام را پایه‌ریزی کرد.

۱.۵ سازمان و منافع

نواب صفوی سازمان منابع جمعیت فداییان اسلام را متناسب با بحران‌های جامعه مذهبی ایران بر دو نهاد مهم شیعی حوزه علمیه و هیئت‌های مذهبی پایه‌ریزی کرد. هویت مشترک دینی و تکاپو برای مبارزه با مظاهر ضد دین پل اصلی ارتباطی جامعه هدف مدنظر با آرمان و اهداف جمعیت فداییان اسلام بود.

پس از اجرای فتوای ارتداد خسروی موج جدید جذب منابع با بهره‌گیری تبلیغاتی از این اقدام مسلحانه در دستورکار قرار گرفت. نواب صفوی با هدف ایجاد تشکیلات سراسری علیه حاکمیت با تمرکز بر جذب و سازمان‌دهی جوانان مذهبی سلسله‌سفرهای تبلیغی خود را آغاز کرد. در مرحله اول سازمان‌دهی جمعیت فداییان اسلام سفر تبلیغاتی خود را از مشهد آغاز کرد و سپس به شهرهای مهم شمال کشور رفت و سرانجام با حضور در شهر کرمانشاه از مرز خسروی ایران را به‌قصد نجف اشرف ترک کرد. فصل مشترک دعوت همگانی نواب صفوی و یارانش در گفت‌وگو با علما، بزرگان طوایف، و مردم حضور در یک تشکیلات دینی با راه‌برد مبارزه عمومی با حکومت پهلوی به‌منزله ریشه تمام مشکلات جامعه ایران بود (امینی ۱۳۸۱).

(۱۳۷). او پس از سفر تبلیغاتی حدود یک سال در نجف اشرف اقامت گزید و با بازگشت به ایران مرحله دوم سازمان‌دهی جمعیت را با احیا و بازسازی جمعیت فداییان اسلام آغاز کرد (خوش‌نیت ۱۳۶۰: ۵۲).

در تهران پایگاه اثرگذاری بنیادهای تفکری جمعیت فداییان اسلام در میان علوم دینی، کسبه بازار، و قشرهای متوسط و پایین جامعه بود (همان: ۲۳۴-۲۴۰). اصلی‌ترین اعضای جمعیت نوجوانان و جوانان جنوب تهران مرتبط با هیئت‌های مذهبی بودند. آنان به‌طور عمده اهل منطقه دولا و فعال در هیئت‌های جعفری، قائمیه، و انصارالائمه بودند (عباسی ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۵۰). پس از هیئت مذهبی فعال در تهران، حوزه علمیه قم مهم‌ترین سازمان بسیج نیرو برای جمعیت فداییان اسلام برشمرده می‌شد. آنان می‌پنداشتند که حوزه علمیه قم پس از عبور از عصر عسرت پهلوی اول مجدد به‌طور همه‌جانبه به مناسبات سیاست کشور بازخواهد گشت، اما به تدریج دریافتند که هنوز فضای بی‌مهری به سیاست بر حوزه علمیه استیلا دارد (فراستی ۱۳۸۹: ۱۱۴)، هرچند فداییان اسلام در میان طلاب جوان قم صاحب نفوذ بودند و فقط در حوزه علمیه فیضیه پانصد تا ششصد نفر حامی جدی داشتند (منتظری ۱۳۷۹: ۷۰)، این تعداد حامی برای اثرگذاری بر رأس تصمیم‌سازی نهاد حوزه علمیه و هم‌چنین هدف نهایی آنان، یعنی برپایی حکومت اسلامی، کافی نبود.

جنوب تهران و قم مراکز اصلی بسیج‌کنندگی جمعیت فداییان اسلام بودند. توان بسیج‌کنندگی این سازمان انقلابی متناسب با اندازه و کیفیت پایگاه اجتماعی عضوگیری محدود و ضعیف بود. جمعیت فداییان اسلام با فقدان توان بسیج‌کنندگی همه‌جانبه و توده‌وار اتخاذ تاکتیک کنش‌های تهاجمی علیه دولت‌مردان را جای‌گزین فشار توده‌وار بر حاکمیت کرد.

۲.۵ بسیج منابع

۱.۲.۵ انواع منابع

منابع اجبارآمیز، منابع فایده‌مند، و منابع هنجاری کوشش‌های گروه‌ها برای دستیابی به منبع مدنظر خود برای عمل جمعی است. نواب صفوی و یاران هم‌فکرش «منابع هنجاری» را برای بسیج منابع تشکل پیش‌تاز خود برگزیدند. اعضای جمعیت فداییان اسلام یک‌دیگر را برادران ایمانی خطاب می‌کردند و براین منشور برادری پیمانی برای استقرار حکومت اسلامی بود و هر «مسلمان صادق فدایی اسلام» امکان عضویت پیدا می‌کرد (گل‌محمدی ۱۳۸۲: ۲۷). آنان هرگونه تلاش بر تحقق این تکلیف الهی را به مثابه آرمان نهایی جمعیت فداییان اسلام محسوب می‌کردند و اعضا برای دستیابی به آرمان معهود جان خود را در راه اسلام فدا می‌کردند.

۲.۲.۵ انواع بسیج

از منظر چالز تیلی، بسیج تدافعی، بسیج تهاجمی، و بسیج تدارکاتی انواع فرایند بسیج منابع در تکاپوهای گروه‌ها و سازمان‌ها محسوب می‌شوند.

جمعیت فداییان اسلام متناسب با فضای بحرانی مذهبی-سیاسی کشور در دهه ۱۳۲۰ و چشم‌انداز نهایی آنان، که صدارت حکومت اسلامی بر گستره جغرافیایی ایران بود، تلاشی با تجمیع منابع برای کسب منافع جدید متناسب با فرصت پیش‌رو داشتند. گشایش سیاسی، عدم استیلاي اقتدارگرایانه محمدرضاشاه جوان در هشت سال ابتدایی سلطنت، و اوج‌گیری جریان‌های ضد دین اسلام به‌خصوص طیف پاک‌دینی احمد کسروی در جامعه ایران با ضریب حساسیت بالا درقبال مسائل دینی و ملی‌شدن صنعت نفت فرصت‌های جدی محسوب می‌شدند. چنین رخدادهایی در قالب عوامل شتاب‌بخش در اختیار هسته بسیج‌گر جمعیت فداییان اسلام قرار گرفت و فرصت مناسبی برای چالش‌گری با سلطنت پهلوی و گام‌برداشتن برای برپایی حکومت اسلامی شد. بنابراین، فرایند بسیج منابع آنان از نوع بسیج تهاجمی بود.

۳.۵ کنش جمعی

سیدمجتبی نواب صفوی با ترسیم وضعیت بحرانی حاکم در کشور برای جامعه ایران جامعه هدف هم‌سو برای عضوایی و بازنمایی مناسب چشم‌انداز رهایی‌بخش از بحران‌ها با استقرار حکومت اسلامی تشکلی دینی-سیاسی با هویت مشترک و ضریب هم‌گرایی سازمانی بالا بنا نهاد که در روند بسیج منابع تمام منابع در اختیار گروه قرار می‌گرفت. وضعیت درونی مناسب جمعیت برای کنش جمعی منجر شد که گروه‌های سیاسی فعال در سپهر سیاست ایران در دهه ۱۳۲۰ در جهت تجمع منافع مشترک برای اهداف اعلامی انسداد استمرار اقتدارگرایی محمدرضاشاه خواهان هم‌افزایی کارکردی بودند. بارزترین تعامل گروه‌های سیاسی با جمعیت فداییان اسلام در رخداد قتل رزم‌آرا شکل گرفت. درمجموع، مهم‌ترین نقش‌آفرینی سیاسی جمعیت فداییان اسلام در راه‌برد تحقق حکومت اسلامی و دستیابی ایرانیان به پیشینه منافع ملی هم‌راهی با آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت بود (عمید زنجانی ۱۳۶۸: ۴۱۷-۴۲۷).

۴.۵ بخش دوم: مؤلفه‌های برون‌گروهی

اقدامات تجمیعی با پیشینه تکاپوی سازمانی برای بسیج منابع، که به کنش جمعی منجر می‌گردد، گام نهایی برای کنش‌گری انقلابی نیست، بلکه باید مؤلفه‌های برون‌گروهی، که به‌عنوان عامل

بیرونی بر عملکرد سازمان اثر می‌گذارد، در بررسی عملکرد گروه‌ها و سازمان‌های بسیج‌گر مورد بررسی قرار گیرند. این عاملیت بیرونی در کنش جمعی در سه سطح شامل سرکوب - تسهیل، قدرت، و فرصت - تهدید نقش‌آفرینی می‌کند.

جمعیت فداییان اسلام متناسب با منابع هنجاری و بسیج تهاجمی در فرایند شکل‌پذیری کنش جمعی براندازانه در قبال رژیم پهلوی اتخاذ کرد. چالش‌گری جمعیت فداییان اسلام در قبال کارگزاران جامعه سیاسی حاکم با «سرکوب» همراه شد. مؤلفه بیرون‌گروهی سرکوب در سه سطح متناسب با وضعیت حاکمیت و توان بسیج‌کنندگی و هماهنگی با دیگر گروه‌های سیاسی با ضریب سرکوب سیاسی متفاوت مواجه شد.

۱.۴.۵ دست‌گیری مقطعی

رژیم پهلوی سرکوب به صورت «دست‌گیری مقطعی» اعضای جمعیت فداییان اسلام را در دو مقطع زمانی اجرا کرد. برادران امامی، از اعضای برجسته جمعیت فداییان اسلام، پس از اجرای حکم شرعی احمد کسروی دست‌گیر شدند. نواب صفوی با رای‌زنی‌های مختلف با بزرگان حوزه علمیه و با فشار افکار عمومی، آنان را بعد از سه ماه حضور در زندان آزاد کرد. رخداد بعدی از ضریب اهمیت بیش‌تری برخوردار بود. در شانزدهم اسفند ۱۳۲۹، خلیل طهماسبی، از اعضای حلقه اول مرکزیت جمعیت فداییان اسلام، سپهبد رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت و به تعبیر آنان «دست‌نشانده انگلیس»، را با شلیک متعدد گلوله کشت. این کنش تهاجمی به نفر دوم رژیم پهلوی محصول جلسه مشترک اعضای جبهه ملی با فداییان اسلام بود. نواب صفوی با شرط اجرای احکام اسلام پس از پایان نقش‌آفرینی رزم‌آرا در سیاست کشور این عملیات را پذیرفت (سحابی ۱۳۸۶: ۹۹). نواب صفوی پس از دست‌گیری خلیل طهماسبی در اعلامیه شدیداللحن از «پسر پهلوی و گردانندگان جنایت‌کار حکومت غاصب» خواست که او را ظرف سه روز آزاد کنند (ایمن‌آبادی ۱۳۸۲: ۱۶۶). سرانجام با هم‌سویی نمایندگان جبهه ملی و حامیان آیت‌الله کاشانی در مجلس شانزدهم، در ماده واحده‌ای به قید سه فوریت خلیل طهماسبی پس از چند ماه زندان عفو شد.

۲.۴.۵ اعدام موردی

عبدالحسین هژبر از سیاست‌مداران بسیار نزدیک و معتمد خاندان پهلوی بود. او از سرمایه شخصی رضاشاه در بانک‌های خارج از کشور اطلاع داشت، درحالی‌که خاندان سلطنتی از این

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۷۹

انباشت ثروت ناآگاه بودند (بهنود ۱۳۸۲: ۵۴۳-۵۴۴). هژبر مسئولیت پروژه آغاز اقتدارطلبی تمام‌عیار پهلوی دوم را برعهده داشت. او پس از ناکامی در کسوت نخست‌وزیر، در قالب کارویژه وزیر دربار، خواهان تقلب در انتخابات مجلس شورای ملی شانزدهم و تغییر ترکیب سیاسی آن نسبت به مجلس پیشین با افزایش نمایندگان حامی شاه و دربار بود.

سیدحسین امامی در سیزدهم آبان ۱۳۲۸ عبدالحسین هژبر، وزیر دربار، را به دلیل خیانت به ملت به قتل رساند. پس از چهار روز، رژیم پهلوی در دادگاهی فرمایشی حکم اعدام سیدحسین امامی را صادر و اجرا کرد. باوجود حمایت صریح جمعیت فداییان اسلام از به قتل رساندن وزیر دربار برای سیدمجتبی نواب صفوی و سیدعبدالحسین واحدی و اعضای دیگر این جمعیت به دلیل عدم شرکت یا معاونت در عملیات مسلحانه قرار منع پی‌گرد صادر شد (خوش‌نیت ۱۳۶۰: ۴۴). این اقدام حکومت پهلوی به منزله آغاز گام اولیه برای سرکوب جدی جمعیت فداییان اسلام در صحنه سیاست کشور بود.

۳.۴.۵ اعدام دسته‌جمعی

فداییان اسلام حسین علاء را مهره اصلی استعمار در حکومت پهلوی دوم می‌دانستند. حسین علاء با تنش‌زدایی در روابط با شوروی و تکاپوی حضور در پیمان بغداد بستر اقتدارگرایی هم‌گرا با قدرت‌های جهان را برای محمدرضاشاه فراهم می‌ساخت. مظفرعلی ذوالقدر، از اعضای جمعیت فداییان اسلام، او را موردهدف گلوله قرار داد و آغازگر سرکوب تمام‌عیار جامعه سیاسی حاکم درقبال چالش‌گری جریان اسلام‌گرا شد. سرانجام، اعضای اصلی و برجسته جمعیت فداییان اسلام، پس از ده سال مبارزه با حکومت پهلوی در ۲۷ دی ۱۳۳۴ به شهادت رسیدند.

۶. نتیجه‌گیری

سیدمجتبی نواب صفوی، با مشاهده وجود بحران‌های عمیق دینی-سیاسی در جامعه ایران، خواهان مبارزه با تمام اشکال بی‌دینی در سطح جامعه و حاکمیت برآمد. او در حرکت اعتراضی خود خواهان تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی-اجتماعی جامعه بود و سکوت حوزه علمیه را به ضرر اسلام می‌دانست (فراتی ۱۳۸۵: ۳۷). به همین دلیل، در بسترسازی یک کنش جمعی همه‌جانبه در قالب جنبشی اسلام‌خواه، حل بحران‌های موجود را در استقرار حکومت اسلامی می‌دید.

آنان هر مسلمان صادق فدایی اسلام را در جوامع هدف خود جذب کردند و متناسب با منابع هنجاری حاکم در تشکیلات به بسیج تهاجمی اقدام کردند. حاصل کنش جمعی آنان ترغیب حوزه علمی و بزرگان آن به مثابه اصلی ترین نهاد توسعه بخش دینی در کشور و جامعه مؤمنان برای کنش همه جانبه دستیابی به حکومت اسلامی در دوره غیبت امام زمان (عج)، تسریع جدی در روند ملی سازی صنعت نفت ایران، و تضعیف پایه های اقتدارطلبی محمدرضا پهلوی شد. محمدرضا پهلوی، هرگونه حرکت اعتراضی و براندازانه را با سلسله رویداد سرکوب تمام عیار پاسخ داد و همه اعضای برجسته جمعیت فداییان اسلام را به شهادت رساند. بدون تردید جمعیت فداییان اسلام در اندیشه سیاسی، عمل، و مبارزه نقشی ویژه و ممتاز را در مقطع تاریخ ۱۳۲۴-۱۳۳۴ به مدت یک دهه ایفا کردند. کنش جمعی جمعیت فداییان اسلام به عنوان گروه پیش تاز با خاستگاهی حوزوی، که حکومت اسلامی را خواهان بودند، هرچند با شکست مواجه شد، الگوی الهام بخش جریان اسلام گرا در حوزه علمی قم برای براندازی حکومت پهلوی قرار گرفت.

کتاب نامه

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی. ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۹۲)، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)*، تهران: سمت. اسپریگنز، توماس (۱۳۶۵)، *فهم نظریه های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه. امینی، داود (۱۳۸۱)، *جمعیت فداییان اسلام و نقش آنان در تحولات سیاسی- اجتماعی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱)، *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی*، تهران: صدای معاصر. ایمن آبادی، ساسان (۱۳۸۲)، *از ترور شاه تا ترور رزم آرا*، تهران: خجسته.
- ایوانف، م. س. (۱۳۵۶)، *تاریخ نوین ایران*، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، بی نا: بی جا. بهنود، مسعود (۱۳۸۲)، *کشتگان بر سر قدرت*، تهران: علم.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹)، *نظریه های انقلاب؛ وقوع، فرایند، و پی آمدها*، تهران: سمت.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۵۰)، *مأموریت برای وطنم*، تهران: بی جا.
- تقوی، محمدعلی و محمدعلی همتی (۱۳۹۲)، «بررسی کارکرد دین در اندیشه و عمل نواب صفوی»، فصل نامه علمی- پژوهشی پژوهش های انقلاب اسلامی، س ۲، ش ۷، ۸۵-۱۰۲.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فداییان ... (محمد رضا حاتمی و دیگران) ۸۱

- جعفریان، رسول (۱۳۸۴)، *رسائل سیاسی - اسلامی دوره پهلوی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱)، *روشن‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید.
- حقیقت، سیدصادق و سیدحامد حجازی (۱۳۸۹)، «نقد و معرفی: نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران اسپرینگز در مطالعات سیاسی»، *فصل‌نامه علوم سیاسی*، پیاپی ۴۹.
- خسروشاهی، سیدهادی (۱۳۷۵)، *فداییان اسلام: تاریخ، عملکرد، اندیشه*، تهران: اطلاعات.
- خوش‌نیت، حسین (۱۳۶۰)، *سیدمجتبی نواب صفوی، اندیشه، مبارزات، شهادت او*، بی‌نا.
- روبین، باری (۱۳۶۳)، *جنگ قدرت‌ها در ایران*، تهران: آشتیانی.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۳)، *تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۲۲*، تهران: سمت.
- سحابی، عزت‌الله (۱۳۸۶)، *نیم قرن خاطره و تجربه*، تهران: فرهنگ صبا.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۶)، «تحلیلی تطبیقی بر تفکر انقلابی امام خمینی (ره)، آیت‌الله خالصی‌زاده و جریان فداییان اسلام»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، س ۷، پیاپی ۲۲، ۱۲۳-۱۴۲.
- سمتی، محمدهادی (۱۳۷۵)، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، پیاپی ۳۵.
- شهسواری، ثریا (۱۳۷۸)، *اسناد فعالیت بهاییان در دوره محمد رضا شاه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «پایگاه اجتماعی جمعیت فداییان اسلام»، در: *مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت نواب صفوی و فداییان اسلام*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «چیستی سنت فکری رادیکالیسم اسلامی در ایران (بررسی موردی: جمعیت فداییان اسلام)»، *فصل‌نامه سیاست*، دوره ۴۱، ش ۴، ۱۰۰-۱۷۴.
- عزیزی نیک، نادره (۱۳۹۱)، *جوان‌ترین رهبر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، *بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: کتاب سیاسی.
- غفاری هنجین، زاهد، علی مرشدی‌زاد، و هانیه خدادادی (۱۳۹۱)، «نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی»، *دانش سیاسی*، پیاپی ۱۶، ۶۳-۸۲.
- غلامی مقدم، فاطمه (۱۳۸۳)، «اندیشه سیاسی فداییان اسلام»، *فصل‌نامه تاریخ پژوهی*، پیاپی ۱۸، ۱۰۴-۱۲۶.
- فراستی، عبدالوهاب (۱۳۸۳)، «رادیکالیسم اسلامی در ایران معاصر: شهید نواب صفوی و جمعیت فداییان اسلام»، ش ۲، ۲۰۷-۲۴۲.
- فراستی، عبدالوهاب (۱۳۸۵)، *گونه‌شناسی فکری - سیاسی حوزه علمیه قم*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- فراشی، عبدالوهاب (۱۳۸۹)، روحانیت و تجدد؛ با تأکید بر جریان‌های فکری - سیاسی حوزه علمی قم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- فیرحی، داود (۱۳۹۴)، فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران: نی.
- قائمی، پروین (۱۳۹۰)، نواب: اسطوره مهر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قاضوی، سیدحسن (۱۳۹۳)، «بهایت دست‌پورده و عامل استکبار از منظر انقلاب اسلامی»، پژوهش‌های انقلاب/اسلامی، ش ۱۱، ۱۳۱-۱۵۸.
- قریشی، فردین و هادی داودی زواره (۱۳۹۵)، «مبانی فکری اصل‌گرایان اسلامی ایران معاصر (مطالعه موردی: جمعیت فداییان اسلام)»، فصل‌نامه سیاست، دوره ۴۶، ش ۱، ۲۱۱-۲۲۸.
- قیصری، مهدی (۱۳۸۴)، رهبری به‌نام نواب، جوان‌ترین رهبر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک، تهران: گفتار.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۰)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله سیاسی پهلوی)، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- کسروی، احمد (۱۳۲۳)، دادگاه، بی‌جا: بی‌نا.
- کسروی، احمد (۱۳۴۶)، تاریخ و درس‌هایش، بی‌جا: بی‌نا.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۲)، جمعیت فداییان اسلام به‌روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۷)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۷۸)، «آسیب‌شناسی یک جنبش: تأملی در اندیشه و عمل جمعیت فداییان اسلام»، پژوهش‌نامه متین، ش ۵-۶، ۲۸۷-۳۱۸.
- منتظری، حسین علی (۱۳۷۹)، فقیه عالی‌قدر، بی‌جا.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۹)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷، تهران: پیکان.